تماشای سوگواری در نمایشگاه موزه رضوی

به مناسبت دهه پایانی ماه صفر نمایشگاهی از قدیمی‌ترین نسخ خطی، اسناد و عکس‌های تاریخی با موضوع حضرت رسول‌اکرم(ص)، امام حسن‌مجتبی(ع) و امام‌رضا(ع) در موزه قرآن و نفایس، واقع در صحن کوثر حرم مطهر رضوی برپاشده که اگر این روزها زائر امام هشتم هستید، می‌توانید از آنها بازدید کنید. «مرآه الصفا» از شیخ علی‌بن حسین زواری اصفهانی به کتابت قرن دهم، قدیمی‌ترین اثر این مجموعه است. در این نمایشگاه همچنین عکس‌ها و اسنادی از دوره‌های مختلف تاریخی به نمایش گذاشته شده که متعلق به برگزاری مراسم عزاداری در اماکن متبرکه حرم در طول تاریخ است. اسناد شمع‌گردانی(۱۳۳۴ قمری)، چگونگی برپایی مجلس تعزیه پیامبر اکرم(ص) و حضرت رضا(ع) (۱۳۳۰ قمری)، هزینه‌های صورت‌گرفته جهت برپایی مجلس تعزیه دهه آخر صفر (۱۳۱۰ قمری)، دعوتنامه جهت شرکت در مجلس تعزیه شهادت امام رضا علیه‌السلام (۱۳۲۴ قمری) و... برخی از اسنادی است که در این مجموعه در معرض نمایش قرار گرفته است./جام‌جم‌دیلی

عکس: رضا خفتان پناه

پای صحبت جمعی از نابینایان کشورمان که با هزار امید و آرزو زائر آستان مقدس علی ابن موسی‌الرضا(ع) می‌شوند

زیارت با چشم دل

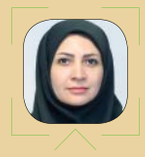

مینا مولایی

ایران

غریب‌الغربا دلداده و عاشق کم ندارد؛ پیرها، جوان‌ها، زن‌ها و مردهایی که در تمام روزهای سال مخصوصا ایام پایانی ماه صفر میعادگاه‌شان می‌شود آستان مقدس علی ابن موسی‌الرضا(ع)؛ همه آنهایی که به عشق دیدن گنبد طلایی‌رنگ، به عشق زیارت، همصحبتی و درددل با امام رئوف، اصلا به عشق نفس‌کشیدن در فضای حرم هرطور شده خودشان را می‌رسانند به صحن. بین این زائرها که یکی یکی از راه می‌رسند قصه عاشقی بعضی‌ها اما یك جور دیگر است؛ آدم‌هایی که دلشان یك جور دیگر، یك جور بیشتر پر می‌کشد برای دیدن گنبد طلایی‌رنگ رضا(ع)، برای زیارت ضریح منورش، گره‌خوردن به پنجره فولادش. روایت این زائران اما روایت آدم‌هایی است که همانطور عاشق، همانطور سراسیمه، همانطور بی‌تاب از راه می‌رسند؛ آنها اما از کیلومترهای دورتر دلشان را پر می‌دهند سمت حرم؛ همان دلی که جای چشم را برایشان گرفته، دلی که اذن دخول می‌گیرد و پا به پایشان می‌آید. روایت گزارش امروز ما، قصه آدم‌هایی است که امروز تقویم به نامشان خورده؛ همه آنهایی که چشم ظاهر بسته و چشم دل باز کرده‌اند؛ روشندلانی که با چشم دل به زیارت غریب‌الغربا می‌آیند.

از شوق روی پا بند نبودم

۲۹ ساله است و اهل تهران؛ روزهای نابینایی برای مرتضی فراهان‌پور از همان بدو تولد از راه رسیده؛ او با یك مشکل مادرزادی به دنیا آمده و تصوراتش از محیط بیرونی، ساخته و پرداخته ذهنش است. تا همین سال گذشته که کرونا نبود، برای او ایام پایانی ماه صفر مصادف بود با زیارت مشهدالرضا؛ همیشه با خانواده راهی می‌شده و حالا یك حسرت بزرگ گوشه دلش است که امسال از دور باید زائر باشد. مرتضی اولین بار که برای زیارت رفته خیلی خوب یادش است؛ کلاس سوم راهنمایی بوده و با اردوی دانش‌آموزی، برای اولین بار پا به صحن مطهر علی ابن موسی‌الرضا(ع) گذاشته؛ «حال و هوای آن روز؟ آن لحظه؟» این را ما می‌پرسیم و مرتضی از پشت تلفن آه می‌کشد و می‌گوید: «باورکنید این‌که می‌گویند قلبم داشت از سینه‌ام بیرون می‌آمد حکایت آن لحظه من است... من چیزی نمی‌دیدم اما ابهت فضا را واقعا حس می‌کردم، قلبم توی سینه‌ام بی‌قراری می‌کرد. ما یك گروه نابینا و کم‌بینا بودیم و به همت معلم پرورشی‌مان زیارت اولی شده بودیم و واقعا این حس خوب فقط حال من یك نفر نبود؛ همه دوستانم از شوق روی پا بند نبودند. آنقدر ذوق داشتیم که به خود صحن اصلی و ضریح برسیم که اصلا قابل وصف نیست.»

عکس: احمد حسنی

مرتضی که این روزها اپراتور یکی از هتل‌های پایتخت است، خاطره آن لحظه و آن دیدار را قاب گرفته گوشه قلبش: «شاید مثل خیلی‌های دیگر من هم وقتی مشرف شدم از امام رضا شفای چشم‌هایم را خواستم؛ حتی تا یك مدت امیدوار بودم که این اتفاق بیفتد. اما خب مشکل بینایی من واقعا حل ناشدنی است و کم کم که بزرگتر شدم با این موضوع کنار آمدم.» سالهای بعد او هربار که پایش به مشهدالرضا رسید، هربار که زائر صحن امام رضا شد، دلش را پر داد و از امام رئوف برای باقی روزهای عمرش آرامش خواست؛ آرامشی که می‌گوید حالا مدتهاست در زندگی‌اش جاری شده و این از برکت امام هشتم است.

روبه‌روی حرم می‌ایستم و نیت می‌کنم

۳۳ ساله است، جوان و پرانرژی. تقویم زندگی‌اش تا ۲۲ سال پیش خیلی عادی ورق می‌خورده؛ روزهایی که وقت احسان شریف مثل خیلی از بچه‌های هم‌سن وسالش به بازی می‌گذشت؛ ۱۱ سالگی اما برای او با یك حادثه از راه رسید؛ یك لحظه و یك حادثه، زندگی او را به دو بخش تقسیم کرده؛ روزهای قبل و بعد از آن اتفاق. «آن اتفاق» کلمه‌ای است که ما به کار می‌بریم، خود احسان اما براحتی درباره اش صحبت می‌کند: «روزهایی مثل همین روزها بود که من بینایی‌ام را به طور کامل از دست دادم. تازه ۱۱ساله شده بودم، خودم از جزئیات حادثه چیزی یادم نیست اما خانواده ام می‌گویند که خیلی اتفاقی سرم به کمد برخورد کرد و به خاطر شدت ضربه، عصب بینایی هر دو چشمم را از دست دادم.»

او نابینایی را به همین سادگی شروع کرده اما روزگار برایش هیچ وقت ساده نگذشته؛ احسان ولی کم‌کم یاد گرفته که چطور از پس خودش و کارهایش بربیاید. او اما به عنوان یك مشهدی، کسی که همه عمرش را در مجاورت حرم مطهر علی ابن موسی الرضا(ع) زندگی کرده، یك حسرت بزرگ دارد و حدس این حسرت کار سختی نیست: «من هم مثل بقیه مردم خیلی وقتها دلم هوای زیارت می‌کند، دلم می‌خواهد مثل بقیه در لحظه تصمیم بگیرم که برای زیارت بروم و نیم ساعت بعد داخل صحن باشم، اما به خاطر این مشکل نابینایی این امکان برایم وجود ندارد.»

او اما یادش نیست که آخرین بار دقیقا چه زمانی برای زیارت رفته، دی ماه سال گذشته بوده یا قبل‌ترش؟! حالا اما خوشحال است که در این روزهای عزیز قرار است مهمان آقا شود: «من اوایل که نابینا شده بودم یك ذهنیتی از حرم داشتم، گنبد طلایی که هنوز هم یادم است اما خیلی چیزهای دیگر از مسیری که طی می‌کردیم برای رسیدن به صحن انقلاب، الان دیگر با آن جزئیات در خاطرم نیست. با این حال هنوز هم هرجای شهر مشهد باشم هروقت نیتی داشته باشم از همراهان و نزدیکانم می‌پرسم که حرم کدام طرف است و برمی‌گردم رو به حرم و خواسته ام را به آقا امام رضا می‌گویم.»

دلم لك زده برای زیارت

ملیحه حلاج، یك دهه شصتی دیگر است، او را هم یك اتفاق به دنیای به ظاهر تاریك نابینایی وارد کرده؛ آن طرف این ماجرا اما حالا ملیحه است و یك دنیای بزرگ که او با توانایی‌هایش ساخته؛ برای ملیحه نابینایی در ۱۶ سالگی و با یك بیماری از راه رسیده، درمان‌ها نتیجه نداده‌اند و او از همان موقع پا گذاشته به دنیای نابینایی و شده عضوی از جامعه نابینایان کشور. او هم مثل دوستانش بی‌تاب زیارت است؛ مخصوصا در این روزها که حرم سیاه‌پوش شده و رنگ و بوی شهادت دارد: «دلم برای زیارت تنگ شده، خیلی وقت است که به خاطر کرونا حرم نرفته‌ام و دلم لك زده برای آن لحظه‌ای که وارد صحن اصلی می‌شوم.»

صحن اصلی شاید برای بقیه زائران با پنجره فولاد و ایوان طلایش شناخته شود، برای ملیحه اما ورود به این صحن، با یك حال عجیب از راه می‌رسد: «انگار یك نسیم می‌خورد توی صورتم بعد جلوتر که می‌روم دلم تندتند می‌تپد و بعد یکدفعه آرام می‌شود.»

آرامشی که جاری می‌شود توی وجودش و تا مدتها با اوست، چه وقتی توی خانه است، چه وقتی توی خیابان بالا و پایین می‌رود یا سر کار با ارباب رجوع سروکله می‌زند. او اما یك گلایه کوچك هم دارد، از زیارتی که به نظرش می‌توانسته سهل‌تر باشد: «ما نابینا‌ها همه ادعیه را به خط بریل می‌خوانیم، اصلا به شوق خواندن زیارت‌نامه و ادعیه مثل خیلی‌های دیگر داخل صحن می‌نشینیم اما خیلی وقت‌ها کتاب دعا به خط بریل به ما نمی‌رسد؛ چون تعدادشان در مجموع خیلی زیاد نیست و بعضی وقت‌ها دسترسی به آنها کار سختی است.»

با دست پر از زیارت برمی‌گردم

فاطمه نجفی فرخد، با یك مشکل مادرزادی، نابینا شده؛ شبکیه چشم‌هایش مشکل داشته و کم کم سوی چشم هایش را برده؛ آنقدر که حالا نابینای مطلق باشد. برای او هم زیارت یعنی عاشقی، یعنی با یك دل پر از نیاز و خواهش و تمنا بروی و دست پر با چهره‌ای پر امید و آرام برگردی. برای او اما زیارت آستان مقدس امام رضا(ع)، به یك خاطره ماندگار می‌رسد؛ خاطره‌ای که بهتر است از زبان خودش بخوانید: «سن و سال زیادی نداشتم اما با همان شرایط کم بینایی دیدم کبوترانی بودند که بالای سرم پرواز می‌کردند. یادم است آن موقع برایشان دانه برده بودیم و همه این تصاویر با جزئیاتش هنوز خاطر من مانده.» فاطمه اما دلش یك زیارت راحت با خیال آسوده می‌خواهد؛ یك زیارت بدون نیاز به همراه: «ما نابیناها برای مسیریابی خیلی به دیوار نیازمندیم؛ هرجا دیوار باشد می‌توانیم آهسته آهسته جلو برویم اما صحن‌های حرم جدیدا آنقدر بزرگ ساخته شده اند که به طور کامل مسیر را گم می‌کنیم و به سختی جلو می‌رویم.»

او دلش می‌خواهد حرم هم برای زیارت نابینایان تمهیداتی را فراهم می‌کرد؛ مثل همان سنگفرش مخصوص که می‌تواند در این روزها گره‌گشای مشکلاتش باشد. برای او هم کمبود کتاب‌های ادعیه به خط بریل، یك دغدغه بزرگ است: «کتاب‌های ادعیه و مناجات‌نامه‌ها اگر به خط بریل باشند خیلی سنگین می‌شوند؛ به خاطر همین ما نمی‌توانیم همراه خودمان به حرم ببریم و باید از کتابهای موجود خود حرم استفاده کنیم.»

برای فاطمه اما زیارت یعنی یك حال خوبِ غیرقابل توصیف: «شاید زائران دیگر یك گوشه بنشینند و از دور زیارت کنند اما من حس می‌کنم حتما باید ضریح را لمس کنم یا حداقل دستم به پنجره فولاد برسد.»

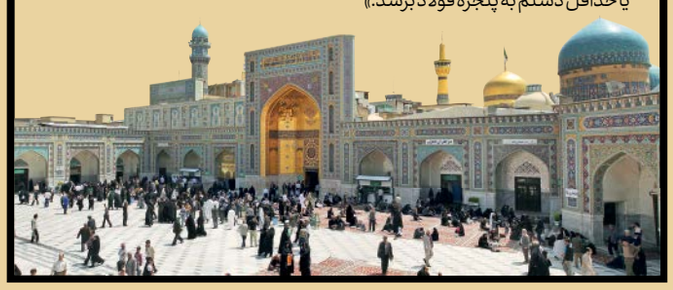

کبوترهای حرم خیلی خوشبخت‌اند

الهام قادری اهل کرمانشاه است؛ برای او زیارت حرم امام رضا(ع) یعنی طی کردن فاصله دواستان دور از هم از غرب تا شرق کشور؛ او اما تا به حال دوبار این فاصله ۱۳۸۴ کیلومتری را رفته و برگشته و هربار تا مدتها بعد از برگشت دلش همراهش نبوده؛ «باید نابینا باشید و مثل یك نابینا وارد حرم آقا امام رضا شوید تا حال من و امثال من را بفهمید. واقعا توصیفش آسان نیست، عظمت آن فضا را ما از لحظه ورود حس می‌کنیم. چشم‌مان چیزی نمی‌بیند اما یك عطر خوبی توی فضا هست که حس می‌کنیم، زمزمه‌های زائران دیگر را می‌شنویم، حال خوب‌شان را با چشم که نمی‌بینیم اما انگار امواج این همه حس خوب به ما می‌رسد.»

حالا پنج سال از آخرین زیارت الهام ۴۰ ساله می‌گذرد و او هنوز آن زیارت را با جزئیات خاطرش است: «برای ما نابیناها حس لامسه خیلی مهم است، داخل حرم هم خیلی جاها دیوارها و درها را لمس می‌کنیم و جلو می‌رویم، یادم است نزدیك یکی از درهای چوبی و بزرگ صحن انقلاب رسیده بودم که دیدم دیگر نمی‌توانم جلوتر بروم. اصلا نمی‌توانستم قدم از قدم بردارم. همان جا تکیه دادم به در و نشستم روی زمین. یکی از خادم‌ها آمد و از حالم پرسید. گفتم خوبم، اما واقعتیش خوب نبودم، دلم می‌خواست مثل بقیه چشم داشتم و از این در که می‌گذشتم و وارد حیاط صحن که می‌شدم گنبد طلایی را روبه‌رویم می‌دیدم.. در زندگی ام شاید حسرت دیدن خیلی چیزها را داشته باشم، مثلا چهره پدر و مادرم، اما قطعا دیدن صحن و گنبد امام رضا هم یکی از این حسرت هاست...»

توی تصور الهام، گنبد آقا امام رضا بزرگ و طلایی است و کبوترها، همان‌هایی که او هر بار صدایشان را شنیده و خودشان را ندیده، دورش پرواز می‌کنند: «اولین بار که رفته بودم زیارت ۱۰ ساله بودم و خیلی دلم می‌خواست مثل کبوترها بالای سر حرم پرواز می‌کردم. الان هم فکر می‌کنم آن کبوترها خیلی خوشبخت‌اند که مهمان حرم هستند.»

دغدغه ما ایجاد یك زیارت دلچسب برای زائران نابیناست

جواد رضایی سیستانی، جانباز نابینای دفاع مقدس و مدیرعامل جامعه نابینایان ثامن‌الائمه خراسان رضوی:

یکی از دغدغه‌های موسسه ما غیر از بحث‌های آموزشی، توانبخشی، مددکاری و حتی چاپ کتب ادعیه مورد نیاز نابینایان، بحث مناسب‌سازی معابر شهری برای دسترسی بهتر نابینایان به امکانات مختلف شهر بوده است و به همین دلیل همواره پیگیر بوده‌ایم که این موضوع را با کمك شهرداری حل کنیم. در همین راستا به دلیل همجواری با حرم مطهر ثامن الائمه، یکی از نیازهایی که هم برای دوستان نابینا جنبه معنوی دارد و هم برکات بسیار، بحث دسترسی آنها به حرم مطهر است و رسیدگی به این موضوع نه فقط برای نابینایان ساکن مشهد که برای زوار نابینای سراسر کشور هم حائز اهمیت است. البته در خود حرم مناسب‌سازی‌های بسیاری برای سایر معلولان انجام شده است برای مثال هرجا پله‌ای هست حتما یك رمپ هم برای دوستان سالمند یا معلول که از ویلچر استفاده می‌کنند تعبیه شده که دسترسی بهتری به حرم داشته باشند. اما نکته اینجاست که دوستان نابینا با پله مشکلی ندارند، ولی موانعی که در مسیر سر راهشان است برایشان مشکل ایجاد می‌کند، مثل آبخوری‌های متعدد، ستون‌هایی که خیلی جاها هستند و... همه اینها مواردی است که می‌تواند مانع دسترسی آسان آنها بشود و آنها را مجبور می‌کند که همیشه با یك همراه به زیارت بروند. درحالی که ما در جامعه نابینایان همواره در تلاشیم که آنها را به سمت استقلال هدایت کنیم. موضوع دیگر بحث محدود بودن کتب ادعیه به زبان بریل یا زیارتنامه‌های درشت خط برای دوستان کم‌بینا بود که در نهایت همه اینها باعث شد یك طرح هشت ماده‌ای را با هدف ایجاد شرایط یك زیارت دلچسب و بدون دغدغه برای زائران نابینا آماده کنیم و به معاونت تبلیغات حرم مطهر ارائه بدهیم؛ برای مثال یکی از بندهای این طرح، ایجاد سامانه اطلاع‌رسانی حضور زائران نابینا به خادم یاران در حرم بود که امیدواریم هرچه زودتر محقق شود. با تمام این تفاسیر، این چهارمین سالی است که در روز جهانی عصای سفید دوستان نابینای ما مهمان حرم مطهر می‌شوند. دو سال اول با عنایت خود حجت‌الاسلام رئیسی مراسم روز نابینایان در سالن مرکزی اجتماعات آستان قدس برگزار شد و دوستان ما مورد لطف شخص ایشان قرار گرفتند. سال گذشته مراسم با عنایت آقای مروی تولیت خود آستان برگزار شد و دوستان ما از موهبت زیارت و ناهار مهمانسرای حضرت بهره مند شدند. اما امسال به خاطر شیوع ویروس کرونا، یك جمع کوچك ۲۵۰ نفره از نابینایان دو روز زودتر مهمان حرم شدند که در هرحال برای بچه‌های نابینا با حس و حال خوبی همراه بود.

درباره وقف‌نامه‌هایی که عایداتشان صرف هزینه سوگواری روزهای پایانی ماه صفر می‌شود

وقف عزای حضرت دوست

فاطمه مرادزاده

دبیر ایران

یکی دلش را با سلام و زیارت از راه دور آرام می‌کند، یکی سینه‌اش که تپید، می‌کشاندش سمت شهر یار و جسم و جانش را گره می‌زند به پنجره‌های فولاد. یکی هم به این سلام و زیارت راه دور و نزدیک آرام نمی‌گیرد و می‌خواهد دلش را برای همیشه قفل کند به مشبک‌های ضریح عشق.

در آستان حضرت دوست برای این اتصال ابدی هم سفره‌ای گسترده است؛ سفره وقف؛ سفره‌ای که خیرین دلداده پای آن می‌نشینند تا هم مرهمی باشد بر دل بی‌قرار و هم نامشان بنشیند در فهرست دوستان حضرت یار و نیکوکاری‌شان صدقه‌ای شود جاری تا ابد.

سفره وقف در آستان قدس رضوی متنوع است و همواره گسترده، اما برخی خیرین، وقفشان بوی شهادت می‌دهد؛ بوی تعزیه و سوگواری ایام پایانی ماه صفر. اینها وقفشان خاص ایام عزای امام مهربانی‌ها، امام حسن‌مجتبی(ع) و پیامبر(ص) است. چند نمونه از آنها را با هم مرور می‌کنیم.

قناتی که درآمدش جاری می‌شود به سمت حرم

یکی از وقف‌نامه‌های مهم آستان قدس رضوی که عایداتش باید صرف مراسم تعزیه روزهای پایانی صفر شود، درآمد ششدانگ یک رشته قنات مشهور به اراضی چهارطاقی موسوم به حسین‌آباد به همراه اراضی آن است که میرزا محمدحسین حسینی، معروف به صدر دیوان‌خانه آن را سال ۱۲۷۴ هجری قمری برای حرم مطهر امام هشتم(ع) وقف کرد تا منافع و درآمدش پس از وضع مخارج ملکی و پرداخت یک سهم حق‌التولیه و نیم سهم حق‌النظاره، بقیه در ایام خاص صرف مراسم تعزیه‌داری درب مبارک حرم مطهر شود. سالروز رحلت رسول اکرم(ص) و شهادت امام حسن‌مجتبی(ع) و همچنین سالروز شهادت امام رضا(ع) از جمله مناسبت‌هایی است که در وقف‌نامه عضدالملک ذکر شده است.

مراسم عزاداری و سوگواری موقوفه مهدی قلی‌خان قرایی

مزرعه محمدآباد واقع در بلوک سنجان بالاخواف من اعمال تربت حیدریه، یک قطعه باغ مشجر در علیای مزرعه محمدآباد، اراضی میان دو جوی خلف قلعه محمدآباد، دو قطعه محوله یونجه‌زار کنار نهر محمدآباد، ۹ سهم از مدار ۱۲ سهم یک حجر طاحونه(آسیاب) دوار واقع در سفلای محمدآباد و یک باب طاحونه دوار مشتمل بر دو حجر واقع در قصبه سنجان، مجموعه‌ای از وقفیات است که مهدی قلی‌خان قرایی آنها را سال ۱۲۸۹ قمری برای بارگاه ملکوتی رضوی وقف کرد. در وقف‌نامه او آمده: درآمد و منافع این موقوفه پس از کسر مخارج موقوفات و مصارف تعیین شده در وقف‌نامه، مبلغی برای تعزیه‌داری و روضه‌خوانی هر سال خامس آل‌عبا، گلگون کفن صحرای کربلا حضرت اباعبدا... الحسین(ع) به مدت ۱۰ شب در ماه‌های محرم و صفر(به طوری که هر کدام در حرم مطهر ممکن شود) هزینه کنند.

حالا هرسال و همزمان با فرارسیدن دهه پایانی صفر و ایام شهادت حضرت ثامن الحجج(ع)، پیامبر(ص) و امام حسن‌مجتبی(ع)، مراسم عزاداری و سوگواری موقوفه مهدی قلی‌خان قرایی در رواق شیخ حر عاملی حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود. این مراسم از ۱۸ صفر آغاز و به‌مدت ۱۰ شب ادامه دارد.

از کارخانه کمپوت‌سازی تا مهمانسرای آستان قدس

موقوفه‌ای مرتبط با کارخانه کمپوت‌سازی ممتاز خراسان هم از وقف‌های مهم دیگری است که مقرر شده تمام درآمد و عایدات آن پس از کسر مواردی که در وقف‌نامه ذکر شده، برای پذیرایی و اطعام جمعی از زائران، خادمان و کارمندان آستان قدس رضوی در شب شهادت امام رضا(ع) در مشهد صرف شود. حاج‌کاظم غراب و مجدالدین مدنی بانی این موقوفه در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۴۰۳ و ۱۴۰۸ (هـ.ق) هستند و درآمد موقوفه آنها به نام موقوفه حاج کاظم غراب و مجدالدین مدنی هر سال برای پذیرایی از چند هزار نفر از خدام حرم رضوی در شب شهادت امام‌هشتم در مهمانسرای آستان قدس رضوی صرف می‌شود.

موقوفه ویژه عزاداری در نیشابور

توجه واقفان به برگزاری مراسم سوگواری در روزهای پایانی ماه صفر محدود به اماکن متبرکه حرم رضوی نمی‌شود و براساس برخی وقف‌نامه‌ها، مردم بعضی از شهرهای کشور هم می‌توانند مهمان آیین‌های وقف‌نامه‌ای این ایام حزن‌انگیز شوند.

به طور مثال مجموعه‌ای از وقفیات شامل یک قطعه باغ مشهور به باغ رضوان، یک قطعه باغ مشهور به باغ سنجلیه، ۱۰ سهم آب از قنات و محل زراعت سنگویی و سه سهم حمام از مدار ۹ سهم حمام بازار، یکی از این نوع وقفیات در نیشابور است که سال ۱۲۷۶ توسط امام وردی‌خان بیات مختاری و همسرش آبجی سلطان وقف آستان قدس رضوی شده است.

طبق این وقف‌نامه از منافع این موقوفات هر سال پس از کسر مخارج ملکی، تعمیرات باغات و... جمعی از مدعوین اهل‌ا... و طلبه را در ایام مناسبتی مذهبی شریف سال از جمله روزهای شهادت امام‌حسن(ع) و امام رضا(ع) در باغات این موقوفه مهمان کرده و پس از پذیرایی، کلام‌ا... مجید تلاوت می‌کنند.